



## تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی

| مقرر    | حجت الاسلام قادر بریسم                                                                                                                                                                                                                                                                                                              | جلسه | ۳۱ | تاریخ | ۱۴۰۴ / ۰۹ / ۲۲ |
|---------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|----|-------|----------------|
| عنوان ۱ | تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |      |    |       |                |
| عنوان ۲ | تفسیر سوره «حمد»                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |      |    |       |                |
| عنوان ۳ | تفسیر آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»                                                                                                                                                                                                                                                                                      |      |    |       |                |
| عنوان ۴ | <p>تفسیری بر حقیقت «صراط مستقیم» در آینه روایات</p> <p>❖ دسته بندی روایات صراط مستقیم</p> <p>➤ دسته اول: اوصاف و ویژگی های صراط مستقیم</p> <p>➤ دسته دوم: فراز و فرودهای مسیر هدایت</p> <p>✓ ارتباط صراط با اختیار انسان و آیات سوره یس</p> <p>✓ تجسم اعمال و شکل گیری صراط</p> <p>➤ دسته سوم: تطبیق صراط مستقیم بر مصادیق الهی</p> |      |    |       |                |

### الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

#### چکیده

این جلسه به بررسی حقیقت «صراط مستقیم» با ابتنا بر روایات معصومین علیهم السلام اختصاص دارد. در این بررسی، روایات ناظر به صراط به دو دسته کلی «توصیف گر ماهیت و ویژگی ها» و «بیان گر مصادیق» تقسیم شده اند. در بخش نخست، با تکیه بر احادیثی که صراط را «از مو باریک تر و از شمشیر تیزتر» معرفی می کنند، بر دقیق بودن مسیر «عدل» و نبود هرگونه انحراف در آن تأکید شده است. همچنین با اشاره به اینکه صراط مقوله ای پویا و دارای فراز و فرود است، تبیین شد که کیفیت عبور از آن - که از سرعت برق تا حالت آویختگی و خزندگی متغیر است - بازتاب دهنده ملکات نفسانی و اعمال دنیوی انسان است؛ به گونه ای که هر کس در واقع سازنده صراط خویش است. در ادامه، ضمن استشهاد به آیات سوره مبارکه یس، بر اصل اختیار و بینایی انسان در انتخاب و پیمودن این مسیر تصریح گردید.

پایان بخش مبحث، بررسی روایاتی است که مصداق عینی و اتم صراط مستقیم را وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام می دانند؛ امری که نشان دهنده «تطابق» کامل و فناء آن حضرت در مسیر حق است؛ چنان که قرآن کریم نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بر صراط مستقیم («عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ») توصیف می کند.

\*\*\*

\*\*\*

\*\*\*

## تفسیری بر حقیقت «صراط مستقیم» در آینه روایات

بحث ما در تفسیر «صراط مستقیم» در روایات، متمرکز بر بررسی مطالب بیان شده در احادیث معصومین علیهم السلام در این خصوص بود. با مراجعه به روایات، مشاهده می شود که احادیث در این باب به چند طایفه یا دسته تقسیم می شوند:

### دسته بندی روایات صراط مستقیم

- ❖ طایفه اول: روایاتی هستند که اوصاف و خصوصیات صراط مستقیم را بیان می کنند.
- ❖ طایفه دوم: صراط مستقیم را توسط کسانی که خود، مظهر صراط مستقیم هستند، معرفی می نمایند؛ این رویکرد در خود آیه کریمه نیز مشهود است که می فرماید: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ». این روایات، به شکلی، تفسیر «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» و تعیین مصداق آنها به شمار می روند.
- ❖ طایفه سوم: روایات تفسیری تطبیقی که مصداق «صراط مستقیم» را بیان می کنند و مشخص می سازند که صراط مستقیم چه کسانی یا چه چیزی است.

### دسته اول: اوصاف و ویژگی های صراط مستقیم

نمونه ای از دسته اول روایاتی که ویژگی های صراط مستقیم را بیان می کنند، روایتی است که مرحوم قمی در تفسیر خود به سندش نقل کرده است: عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الصِّرَاطِ، فَقَالَ: هُوَ أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَأَحَدُ مِنَ السَّيْفِ».

صراط، از مو باریک تر و از شمشیر برنده تر (یا تیزتر) است.

«فَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ مِثْلَ الْبَرْقِ»؛

برخی، مثل برق از صراط می گذرند.

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ مِثْلَ عَدُوِّ الْفَرَسِ»؛

برخی نیز مانند اسب بر آن می تازند و به سرعت گروه نخست نمی گذرند؛ «عَدُو» به معنای دویدن است که در فارسی به «تاخت» تعبیر می شود.

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ مَاشِيًا»؛

برخی نیز مانند شخص پیاده، بر آن راه می روند و می گذرند.

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ حَبَوًّا»؛

برخی نیز به شکم و با حالت خزیدن از آن می گذرند.

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ مُتَعَلِّقًا، فَتَأْخُذُ النَّارُ مِنْهُ شَيْئًا وَتَتْرُكُ مِنْهُ شَيْئًا»؛<sup>۱</sup>

پایین ترین درجه، متعلق به کسانی است که با حالت آویختگی از صراط می گذرند. برخی از این عده، با آتش آسیب می بینند و برخی نیز با آن حالت می گذرند. این بدان معناست که رابطه آنها قطع نمی شود؛ اما آلودگی هایی دارند که در نتیجه آنها، هنگام عبور، آویزان از صراط عبور می کنند و آتش، بخشی از آنان را می سوزاند.

این روایت، صراط مستقیم را با توصیف ویژگی هایش تعریف می کند، نه با تطبیق بر مصداقش. این وصف «هُوَ أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَأَحَدُ مِنَ السَّيْفِ» با توصیف صراط مستقیم مناسبت دارد؛ بدین معنا که این صراط، چنان عدل و راست است که یک سرسوزن هم انحراف ندارد.

پرسشگر: عدل به معنای راستی است؟ برخی نیز استقامت را به معنای ولایت تفسیر کرده اند.

استاد: راست بودن با ولایت تحقق می یابد. ما الآن قصد تطبیق نداریم؛ چون دسته نخست، روایاتی است که صراط مستقیم را با توصیف ویژگی ها تعریف می کند نه با تطبیق.

### دسته دوم: فراز و فرودهای مسیر هدایت

نمونه دیگر از این دسته روایات، روایتی است که مرحوم «علی بن ابراهیم قمی» در تفسیر خود، با سند از «حفص بن غیاث» نقل می کند: قال:

«وَصَفَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ الصِّرَاطَ فَقَالَ: أَلْفَ سَنَةٍ صُعُودٌ، وَأَلْفَ سَنَةٍ هُبُوطٌ، وَأَلْفَ سَنَةٍ حُدَالٌ؛

صراط، نشیب و فراز دارد؛ فرازی هزارساله و فرودی هزارساله دارد و هزار سال هم بی فراز و نشیب است؛ «حُدَالٌ» به معنای کاملاً صاف و بدون نشیب و فراز است.

اگرچه این عبارت، شفاف نیست تا مرادش این باشد که این هبوط و صعود، متصل است؛ یعنی هزار سال فقط به طرف صعود می رود و هزار سال فقط به سوی هبوط می رود و هزار سال نیز صاف و بدون نشیب و فراز باشد، بلکه ممکن است این صعود و هبوط، مردد باشد؛ یعنی گاهی با صعود و گاهی با سقوط همراه است.

این توصیف، نوع دیگری از تبیین صراط مستقیم ارائه می دهد و با این حال، باید توجه داشت که تصور نشود صراط مستقیم، فاقد فراز و نشیب است؛ بلکه در همین مسیر مستقیم نیز فرازها و فرودهایی وجود دارد؛ اما در همین حال، باز هم مستقیم است. به عبارت دیگر، کسی در دنیا بر صراط مستقیم حرکت می کند که هم در فرازها بر صراط مستقیم باشد و هم در فرودها. این فراز و فرود، یا به لحاظ شکست ها (فرود) و موفقیت ها (فراز) است، یا بدین لحاظ که در فراز و فرودها، گاهی به خدا بسیار نزدیک می شود و گاهی دور می گردد و گاهی نیز بدون فراز و فرود حرکت می کند.

از این روایت استفاده نمی کنیم که این سه بخش باید همگی برای یک نفر باشد؛ بلکه منافاتی ندارد که مسیر افراد در حرکت به سوی خدا یکسان - مثلاً همیشه هبوطی یا همیشه صعودی - باشد؛ اما با این حال، از صراط مستقیم خارج نمی شوند؛ گاهی بسیار با نشاط و پرتلاش حرکت می نمایند و گاهی نیز نشاط و حرارتشان کاهش می یابد و هبوطی حرکت می کنند. برخی نیز صعودی حرکت می کنند؛ یعنی در ابتدای کار، ضعیف عمل می کنند؛ اما رفته رفته قوت می گیرند و

حرکتشان سریع و به طرف بالا می شود. اما برخی نیز از همان ابتدای آشنایی با راه خدا، حرکتی یکسان را به سوی خدا ادامه می دهند و شیب و فراز حرکت آنها محسوس نیست.

### ارتباط صراط با اختیار انسان و آیات سوره یس

البته این اوصاف سه گانه (صعود، هبوط و حرکت یکنواخت) ممکن است صرفاً توصیف مطلق «صراط» باشد، نه لزوماً «صراط مستقیم» با قید «مستقیم بودن». با این حال، این روایت بر این نکته دلالت دارد که صراط در ماهیت خود، مقوله ای حرکتی است. این مضمون با آیات سوره یس که به حرکت اشاره دارند، تأیید و تقویت می شود؛ آنجا که می فرماید:

﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾<sup>۱</sup>

امروز بر دهانشان مهر می نهیم، و دستهایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می دادند شهادت می دهند!

از سیاق آیات استفاده می شود که این توصیف، مربوط به کافران است؛ زیرا پیش از آن آمده است:

﴿أَلَمْ أَعْهِدْ لَكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ \* وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ \* وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ \* هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾<sup>۲</sup>

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! \* و اینکه مرا پرستید که راه مستقیم این است؟! \* او گروه زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟! \* این همان دوزخی است که به شما وعده داده می شد!

﴿وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا﴾ توصیف کسانی است که در صراط مستقیم نیستند و در کمند شیطان گرفتار آمده اند. ﴿أَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ \* وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ \* وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَاتِحِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ﴾<sup>۳</sup>

امروز وارد آن شوید و به خاطر کفری که داشتید به آتش آن بسوزید! \* امروز بر دهانشان مهر می نهیم، و دستهایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می دادند شهادت می دهند! \* و اگر بخواهیم چشمانشان را محو کنیم؛ سپس برای عبور از راه، می خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند، اما چگونه می توانند ببینند؟! \* و اگر بخواهیم آنها را در جای خود مسخ می کنیم [و به مجسمه هایی بی روح مبدل می سازیم] تا نتوانند راه خود را ادامه دهند یا به عقب برگردند!

خداوند بیان می کند که ما راه را برای هدایت شما باز کردیم و از ایشان خواستیم که با عبادت ما، به صراط مستقیم راه یابند؛ درحالی که می توانستیم راهی بر ایشان نگشاییم و این از دو شکل ممکن است:

۱. طمس بر اعین؛ تا چشمانشان از کار بیفتد و اگر به سراغ صراط بروند، آن را نیابند.

۱. سوره یس: ۶۵.

۲. همان: ۶۰ - ۶۳.

۳. همان: ۶۴ - ۶۷.

## ۲. میخکوب کردن ایشان؛ تا از حرکت بازمانند یا به بیراهه بروند.

اما هیچ یک از این دو کار را نکردیم؛ لذا هم می دیدند و هم قادر به حرکت بودند، اما صراط مستقیم را انتخاب نکردند و خود را بر آن قرار ندادند.

«هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» ناظر به همین است که شما صراط مستقیم را می بینید و در عین اینکه از چشم دیدن برخوردارید، توان حرکت در آن را دارید.

این آیات، هم حاوی وصف صراط مستقیم است و هم وصف کسانی که از آن عدول می کنند و آن را نمی پیمایند. آنان می توانستند در این صراط باشند؛ اما خود خواسته از آن بازماندند. «لو»، لامتناع است و در این جمله بدین معناست که اگر می خواستیم، چنین می کردیم؛ اما نکردیم و به جای آن، صراط مستقیم را به ایشان نشان دادیم؛ یعنی هم چشم دیدن به ایشان دادیم تا آن را ببینند و هم توان حرکت بخشیدیم تا اگر بخواهند، بر صراط مستقیم گام بنهند. کسانی که صراط مستقیم را دیدند و بر آن حرکت کردند، به چند نوع بر آن حرکت می کنند که در روایت پرمضمون امام صادق علیه السلام بدان ها اشاره رفت و حضرت آن را به پنج قسم بیان فرمود. به هر حال، این راه، «أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَأَحَدٌ مِنَ السِّيفِ» است که خاصیت راه عدل شمرده می شود و راه عدلی که هیچ انحراف و اعوجاجی در آن نیست، خواه ناخواه چنین خاصیتی خواهد داشت؛ زیرا اگر خطی بکشیم که هیچ نحو تمایلی به این سو و آن سو نداشته باشد، چنان باریک است که هیچ انحرافی در آن راه نیابد و چنان بُزَن است که امکان انحراف را سلب کند.

پرسشگر: در روایت هم می خوانیم که «... وَالْحَقُّ أَجْمَلُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَأَوْسَعُهَا فِي التَّنَاصُفِ ...»<sup>۱</sup>.

استاد: این فرمایش حضرت امیر علیه السلام است که وقتی بخواهیم حق را تعریف و توصیف کنیم، آسان است و می توان اوصاف بسیار متنوعی برای آن ذکر کرد و بیان گسترده ای ارائه داد؛ اما در مقام اجرا و رعایت آن، عرصه بر همه تنگ ترین است. این بیان برای کسانی که آشنایی با مبانی دارند، آسان است؛ اما آنجا که سخن از اجرای حق در عمل به میان می آید، «تناصف» و رعایت انصاف است که مسیری تنگ دارد.

## تجسم اعمال و شکل گیری صراط

پرسشگر: ...

استاد: براساس روایت «أَلْفُ سَنَةٍ ضَعُودٌ، وَأَلْفُ سَنَةٍ هُبُوطٌ، وَأَلْفُ سَنَةٍ حُذَلٌ» روشن می شود که صراط برای همگان یکسان نیست؛ بلکه برای برخی فراز و فرود بسیار دارد؛ اما برای برخی بدون فراز و فرود است.

صراط را هرکس خود می سازد و با عمل انسان شکل می گیرد؛ لذا اگر عمل انسان درست باشد، صراط نیز درست خواهد بود؛ وگرنه نتیجه عکس می دهد؛ بنابراین اگر عمل ما دارای فراز و فرود باشد، صراط ما نیز پرفراز و نشیب می گردد. انبیا و اولیا جایگاه خاص خود را دارند؛ اما برخی افراد مانند: «جناب سلمان» و «جناب ابوذر»، خودشان به دنبال حق شتافتند. در اینجا تفاوت میان کسی که حق به سراغ او می آید و کسی که آن را می جوید، آشکار می شود. کسی مثل سلمان است که هزاران کیلومتر را می پیماید تا خود را به حق برساند، یا کسی مانند ابوذر که پیش از ملاقات با رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. الکافی؛ کتاب الروضة، ح ۵۵۰؛ خطبة لأمير المؤمنين علیه السلام.

عبادات خدا را به صورت توحیدی انجام می داد و از پرستش بت ها دست کشیده بود. شعر معروف ایشان مربوط به پیش از اسلام او، نشانگر دیدگاه وی است:

وَرَبُّ يَبُولُ الثَّغْلَانِ بِرَأْسِهِ لَقَدْ ذَلَّ مَنْ بَالَتْ عَلَيْهِ الثَّعَالِبُ<sup>۱</sup>

دید که روباهی بر بت های نصب شده بت پرستان بول می کرد؛ لذا می گفت: این چه خدایی است که روباهی آن را آلوده می سازد اما قادر به دفاع از خویش نیست؟ لذا از پرستش بت ها اعراض کرد و سپس همین که شنید کسی با ویژگی های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مبعوث گردیده، شخصاً به دنبال آن حضرت حرکت کرد و با ملاقات با ایشان ایمان آورد. اینان همان کسانی اند که از همان ابتدا که روشنایی ای برایشان ظاهر می شود، به دنبال این نور حرکت می کنند تا به مقصد برسند. اما کسانی هم هستند که با هیچ سخن و هشدار حرکت نمی کنند و اگر هم جنبشی کنند، طبق همین روایت امام صادق علیه السلام، گاهی مانند برق یا اسب تندرو حرکت می کنند؛ گاهی آرام راه می روند؛ گاهی نیز سینه خیز و گاهی اصلاً آویخته؛ یعنی ارتباطی با صراط مستقیم برقرار می کنند و آن را نمی گسلند؛ اما با صراط مستقیم تطابق کامل ندارند؛ لذا بخشی از آنان با آتش آسیب می بینند.

### دسته سوم: تطبیق صراط مستقیم بر مصادیق الهی

دسته ای دیگر از روایات، صراط مستقیم را بر مصادیق آن تطبیق می کنند و این روایات نیز بر چند نوع اند؛ اما به یک چیز برمی گردند:

روایاتی با این تعبیر: «الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام»<sup>۲</sup>: این روایات نمی گویند صراط مستقیم، صراط امیرالمؤمنین علیه السلام است، بلکه صراط را به تبع صاحبان صراط معرفی می کنند. آیه شریفه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ \* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» نیز ناظر به همین مضمون است. این نوع از روایات، بیش از آنکه تفسیر صراط باشند، تفسیر «أنعمت عليهم» به شمار می روند و گویا به معنای «صراط امیرالمؤمنین علیه السلام» یا «صراط الانبیاء علیهم السلام» است. روایاتی که صراط مستقیم را عین مصداق می دانند که این با چند تعبیر صادر شده اند:

روایت امام صادق علیه السلام:

«قَالَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام»<sup>۳</sup>؛

صراط مستقیم، خود حضرت امیر علیه السلام است.

روایت مرحوم صدوق در «معانی الأخبار»: «باسنده عن محمد بن سنان عن المفصل بن عمر قال: حدثني ثابت الثمالي عن سيد العابدين علي بن الحسين علیه السلام قال:

«... نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ وَنَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ...»<sup>۴</sup>.

۱. تفسیر القمی؛ ج ۲، ص ۱۱۴.

۲. تفسیر الصافی؛ ج ۴، ص ۳۸۴.

۳. تفسیر القمی؛ ج ۱، ص ۲۸.

۴. معانی الأخبار؛ ص ۳۵.

روایت «اصول کافی»:

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۱</sup> قَالَ: إِنَّكَ عَلَى وَلايَةٍ عَلَيَّ وَعَلَيَّ هُوَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ»<sup>۲</sup>.

این نکته را هم یادآور شدیم که «عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» در قرآن کریم، در توصیف دو کس نازل شده است: وصف ذات اقدس حق تعالی: «...إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۳</sup>؛

وصف ذات مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «يَسْ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ \* إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ \* عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۴</sup>.

گفتیم که «عَلَى» افاده تطابق می کند؛ لذا با حرف «فی» همراه نگردیده است و این تطابق که بین صراط مستقیم و ذات مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وجود دارد، نشان دهنده پیوستگی بین فانی و عبد مطلق بودن ایشان و مسیر خداوند است و این، تطابق بین صراط مستقیم و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز محسوب می شود؛ چون ایشان نفس رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود و با ایشان مطابقت کامل داشت.

در این باره، چند روایت در دست داریم که مضمونش «الصراط المستقیم هو أمير المؤمنين عليه السلام» است. ان شاء الله در جلسه آینده به طور کامل تر در این زمینه صحبت خواهیم کرد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. سورة زخرف: ۴۳.

۲. الکافی؛ کتاب الحجّة، باب فِيهِ نُكْتُ وَتُنْفٍ مِنَ التَّنْزِيلِ فِي الْوَلَايَةِ، ح ۲۴.

۳. سورة هود: ۵۶.

۴. سورة يس: ۱-۴.